بررسی سند روایت «اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ حَتَّى يَقُومَ القائِمُ»

صفحه پنجم بودیم. مرحوم آسید جواد صاحب مفتاح الکرامه فرمودند:

> (قلت) يشير بذلك إلى الأخبار الواردة في ذلك كخبر سالم بن سلمة و غيره و كلامه ككلام الشيخ و الطبرسي و الكاشاني يعطي وجوب القراءة بهذه القراءات و إن لم تكن قرآنا رخصة و تقية و فيه بعد و على هذا فيحمل خبر الخصال المتقدم على التقية و كلام الأصحاب و إجماعاتهم على التواتر إلى أصحابها ال إليه صلى اللّٰه عليه و آله و سلم و ينحصر الخلاف فيمن صرح بخلاف ذلك كالشهيد الثاني و غيره و يؤيد ذلك ما سمعته عن هؤلاء الجماعة من العامة[1]

«(قلت) يشير بذلك»؛ ذلک، عبارت استادشان وحید بهبهانی است. وحید فرمودند: **«بل ربما كانوا يمنعون من قراءة الحق و يقولون هي مخصوصة بزمان ظهور القائم عجل اللّٰه تعالى فرجه انتهى**[2]».

«يشير بذلك إلى الأخبار الواردة في ذلك كخبر سالم بن سلمة و غيره»؛ خبر سالم بن سلمه در جلد دوم کافی شریف، صفحه ۶۳۳ آمده است.

> مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ سَالِمِ بْنِ سَلَمَةَ قَالَ: قَرَأَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ أَنَا أَسْتَمِعُ حُرُوفاً مِنَ الْقُرْآنِ لَيْسَ عَلَى مَا يَقْرَأُهَا النَّاسُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كُفَّ عَنْ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ ع فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ ع قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى حَدِّهِ وَ أَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيٌّ ع وَ قَالَ أَخْرَجَهُ عَلِيٌّ ع إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَغَ مِنْهُ وَ كَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ ص وَ قَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ فَقَالُوا هُوَ ذَا عِنْدَنَا مُصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ فَقَالَ أَمَا وَ اللَّهِ مَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا أَبَداً إِنَّمَا كَانَ عَلَيَّ أَنْ أُخْبِرَكُمْ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَقْرَءُوهُ

[3]

مرحوم صاحب مفتاح الکرامه تعبیری کردند به «خبر سالم بن سلمه». مرحوم مجلسی در بحارالانوار فرمودند این روایت ضعیف است. ظاهرش هم این است و از مقام علامه مجلسی دور است که سند به این خوبی را بگویند ضعیف است. ظاهرش هم این است که در این ضعف به فهرست شیخ الطائفه اکتفاء کرده باشند. و حال آنکه یکی از موارد مهم اینکه علم رجال چه کار میکند همینجا است و فرمایشی است که شیخ راجع به سالم دارند. در نسخه کافی چاپ اسلامیه و همچنین مرآة دارد «سالم بن سلمه». در نسخه چاپ جدید پانزده جلدی کافی که ظاهراً دار الحدیث چاپ کرده، با تعلیقه مفصلی که توضیح دادهاند فرمودهاند: «عن سالم ابی سلمه». توضیح هم دادهاند. در نرمافزار درایه هم به همین صورت تصحیح کرده و به گمانم واضح هم هست. به ذهن میآید که میتوان گفت این روایت یکی از سندهای طلائی کافی است. یعنی همه اجلاء هستند و همه کسانی هستند که مثانی هستند. یعنی از کسانی هستند که دوبار برای آنها گفته شده «ثقة ثقة».

سالم هم که مشکلی ندارد. در فهرست مرحوم شیخ به این صورت آمده. من نمیدانم؛ یکی از عجائب است. من که سرم نمیشود. از ابتدا هم عرض میکنم. ولی عرض حال ذهن قاصر خودم است. آن چه که فعلاً در ذهن من حاضر است، این است: نمیگویم که درست است. عرض حال کردن یک نحو درد و دل کردن فضای طلبگی است. یکی از عجائب مواضع فهرست شیخ این است که ایشان به این صورت بیان کردهاند. اولاً گفتهاند کنیه ابو خدیجه برای خودش است و ابو سلمه برای پدرش است. عبارت نجاشی روشن است. نجاشی کار را تمام کرده. همین است که میگویم علامه مجلسی در مرآت فرمودهاند «ضعیف». ظاهرش این است که «ضعیف» در مرآت مستند به فهرست شیخ است. از عجائب فهرست همینجا است. اختیار معرفة الرجال کشی برای خود مرحوم شیخ است، در همین رجال کشی دارد که حضرت فرمودند تو ابوخدیجه هستی، کنیه خود را تغییر بده و ابوسلمه بکن. اما در فهرست میگویند که ابوخدیجه کنیه خودش است و ابو سلمه کنیه پدرش است. یعنی اصلاً جور در نمیآید. لذا اولین چیزی که من میگویم، این است که من نمیدانم. یعنی امر عجیبی است. لذا هم ابن داوود و دیگران هم در دو جا آوردهاند. حال تفصیلاتش بر عهده خودتان باشد.

علی ای حال به گمانم جناب سالم ابی سلمه –سالم بن مکرم- خودش ابو سلمه و ابو خدیجه است. این مشکلی ندارد. روایات متعددی هم از او نقل شده است. این راوی خیلی خوب و همراه امام علیه‌السلام بوده. شاید حضرت را به حج برده. لذا میگویم که سند از این جهات خیلی خوب است. شاید به همین خاطر بوده که صاحب مفتاح الکرامه فرمودند «خبر سالم بن سلمه». یعنی به خبر تعبیر کردند. ولی شاید با اطمینان بالایی میتوان گفت «کصحیحة سالم ابی سلمه».

شاگرد: فرمودید خود حضرت فرمودند که ابو خدیجه نه ولی ابو سلمه باش؟

استاد: بله، در نقل کشی دارد. رجال کشی معروف است. این کشیای که در دست ما است برای مرحوم شیخ است که خلاصه کردهاند. در همان چیزی که خود مرحوم شیخ خلاصه کردهاند آمده: «لا تکنی بابی خدیجه، گفت بماذا اکنی نفسی؟ فرمودند به ابو سلمه».

---

[1] مفتاح‌الکرامة‌في شرح قواعدالعلامة(ط - دارالاحیاء التراث) ج ۲ ص ۳۹۳

[2]همان

[3] الكافي- ط الاسلامية ج ۲ ص۶۳۳

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 14:24:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 11:19:43 توسط ... .